

جایگاه کیفر مرگ در جهان

مهرداد رایجیان اصلی^۱

چکیده

این مقاله بر پایه آمارهای «گروه پاسدار حقوق بین‌الملل» و دیگر منابع معتبر، به بررسی وضعیت کیفر مرگ در جهان می‌پردازد. مطالعه این مقاله نشان می‌دهد در کشورهای که به رعایت سنتها و باورهای اعتقادی - فرهنگی خود پایبندند، کیفر مرگ همچنان معتبر است. در این میان، اعدام یکی از متداول‌ترین مجازاتهای اصلی در حقوق کیفری ایران به شمار می‌رود. از سوی دیگر، ایالات متحده آمریکا که همواره از مدعیان دفاع از حقوق بشر در جامعه بین‌المللی بوده است، در ردیف کشورهایی است که بالاترین رقم اجرای اعدام را به خود اختصاص می‌دهد. با وجود این، تحت تأثیر «جنبش لغو کیفر مرگ» - با مرکزیت اروپا - امروز شمار لغوکنندگان این کیفر رو به فزونی است.

واژگان کلیدی: کیفر، اعدام، اجرای اعدام، لغای اعدام، یزهکار، محکوم

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

کیفر مرگ با پیشینه‌ای به درازای تاریخ بشر، بنیادی‌ترین ارزش آدمی - یعنی حیات اجتماعی او - را نشانه می‌رود و از اینرو، سنگین‌ترین مجازات بشری در تاریخ حقوق کیفری به شمار می‌رود. با نگاهی به تاریخ تمدنهای گوناگون می‌توان دریافت که همه ملتها به فراخور زمان، از کیفر مرگ برای پاسخ به برخی از رفتارهای ناقضان قوانین خود بهره می‌برده‌اند؛ چنانکه در «قانون حمورابی» - دست کم، در موادی که به دست ما رسیده است - نزدیک به ۳۰ بار و به شکلهای گوناگون (همچون: سوزاندن و به آب افکندن) به این کیفر اشاره شده است.^۱ برای نمونه، در ماده ۱۵۵ از این قانون آمده است: «اگر شخصی پس از مرگ پدرش، با مادرش هم آغوش شد، هر دو باید سوزانده شوند». کیفر مرگ در آیین یهود نیز پذیرفته شده است؛ به گونه‌ای که در آیه ۳۱ از باب ۳۵ سفر اعداد تورات می‌خوانیم: «هیچ فدیهای به عوض جان قاتلی که مستوجب قتل است مگیرید، بلکه او کشته شود».^۲

با وجود گرایش فراگیر به بکارگیری کیفر مرگ در تاریخ تمدن بشری، نظر فیلسوفان و اندیشمندان در این زمینه یکسان نبوده است، چنانکه ویکتور هوگو، نویسنده نامی فرانسوی در کتاب بینوایان می‌نویسد: «خضای بزرگی است که شخص آنچنان در قوانین بشری غرق شود که به قوانین الهی بی‌توجه بماند. مرگ تنها به خداوند تعلق دارد و آدمیان حق ندارند در این امر مجهول مداخله کنند».^۳ تلاشهای این نواندیشان حتی با آغاز دوره روشنگری (سده هجدهم) نیز نتوانست آتش کینه و خشم بشر را در سلب حیات از هموعان خود فرونشاند. در این میان، شاید سزار بکاریا اندیشمند ایتالیایی را بتوان نخستین کسی دانست که به طور جدی و گسترده به بحث درباره کیفر مرگ پرداخت. وی در طولانی‌ترین فصل

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: تقوئل میک، قانون نامه حمورابی، ترجمه سازمان میراث فرهنگی کشور، (تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۳) علی پاشا صالح، سرگذشت قانون، مباحثی از تاریخ حقوق، (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)، ص ۹۹ و بعد.

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ناصر کاخسار «حقوق جزای یهود»، مجله مهنامه قضایی، ش ۲۲، ۱۳۴۶؛ رحیم نویهار «مقررات کیفری، جرایم و مجازاتها در تورات»، مجله نامه مفید، (دانشگاه مفید قم، ش ۱۷، ۱۳۷۸).

۳. برگرفته از رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، (تهران: نشر دادآفرین و کتابخانه گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۸۱)، پانویشت شماره ۳۳.

از کتاب ارزشمند خود ... رساله جرایم و مجازاتها - آن را افزودنی بپهوده‌ای به درد و رنجها می‌داند که هرگز آدمیان را بهتر نگردانده است.^۱ با وجود این، حتی بکارها نیز در دو مورد (نخست، جرمهای میاسی و دوم بر پایه بازدارندگی عمومی) کیفر مرگ را می‌پذیرد. در سده نوزدهم، اندیشمندانی چون شارل لوکا، گیزو و رُسی نیز این کیفر را به باد انتقاد گرفتند و حذف آن را پیشنهاد کردند. اندیشمندان مکتب تحقیقی یا اثباتی ایتالیایی هم در سده بیستم جز در مواردی محدود - مانند بزهکاران مادرزاد - به حذف کیفر مرگ معتقد بودند.^۲

روی هم رفته، دیدگاه موافقان و مخالفان کیفر مرگ را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:
از دیدگاه موافقان، اَرعاب‌انگیزی و قاطعیت کیفر مرگ آن را عادلانه‌ترین و مناسبترین گزینه در پاسخ به قانون‌شکنان و برهم زندگان نظم و امنیت جامعه گردانده است. وانگهی، اعدام بزهکار بهترین ابزار برای جبران درد و رنجهای بزه دیده به شمار می‌رود.
از نگاه مخالفان، بازگشت‌ناپذیری (جبران‌ناپذیر بودن) و ستمگرانه بودن کیفر مرگ، از آن گزینه‌ای بپهوده ساخته که در پیشگیری از بزهکاری و تکرار جرم مؤثر نبوده است.^۳

اگر چه، این تلاشها بازتاب پیوسته‌ای در قوانین برخی کشورها، بویژه کشورهای اروپایی، داشته است، امروز حتی در هزاره سوم، نزدیک به نیمی از کشورها کیفر مرگ را در زرادخانه کیفری خود حفظ کرده‌اند. در مقاله‌ای که پیش‌رو دارید، با بهره‌گیری از تازه‌ترین داده‌ها، وضعیت کنونی کیفر مرگ در جهان به تصویر کشیده شده است. مطالب این مقاله از دو گفتار: اجرای کیفر مرگ (گفتار نخست) و الغای کیفر مرگ (گفتار دوم) تشکیل می‌شود و در هر گفتار، نگارنده رویکرد کشورها (با رژیمهای سیاسی گوناگون)،

۱. سزار بکاریا، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه محمد علی اردبیلی، (تهران: نشر میزان، چاپ سوم، بهار ۱۳۷۷)، ص ۷۰.
۲. برای نمونه، انریکو فری (جامعه‌شناس ایتالیایی) بر خلاف سزارو ممبروزی (پزشک ایتالیایی)، به تدابیر طرد کننده دیگری - مانند تبعید دادیم - به جای کیفر مرگ نسبت به بزهکاران مادرزاده عقیده داشت. گارولانو نیز از پیروان جدی کیفر مرگ بود. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ژان برادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱)، صص ۸۹ و ۸۱ و ۱۰۱.
۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: شمس‌الدین امیر علایی، مجازات اعدام، (تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۵۷)، مارک آتسل، مجازات اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، (تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۶)، مارسل نورمان، مجازات مرگ، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم، (تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳).

پویژه رویکرد ایران را به این کیفر نمایانده است. در این میان، دیدگاههای بین‌المللی (جهانی و منطقه‌ای) نیز از نظر دور نمانده است. برای تبیین هرچه بهتر این موضوعها، نویسنده تلاش کرده تا هم به مستند ساختن مطالب طرح شده و هم نقد و تحلیل آنها بی‌توجه نماند.

گفتار نخست: اجرای کیفر مرگ

بر پایه تازه‌ترین آمارها -- تا یکم ژانویه ۲۰۰۰ میلادی -- بیش از ۹۰ کشور جهان همچنان کیفر مرگ را در زرادخانه کیفری خود حفظ کرده‌اند. آمارهای «گروه پاسدار عفو بین‌الملل» از اجرای اعدام در ۳۴ کشور و وجود زندانیان در انتظار اعدام در ۵۵ کشور حکایت می‌کند.

در طول سال ۱۹۹۹، دست کم ۱۸۱۳ زندانی در ۳۱ کشور اعدام و ۳۸۵۷ نفر در ۶۳ کشور به مرگ محکوم شدند. ۸۵ درصد این اعدامها در چین، ایران، عربستان سعودی، جمهوری دموکراتیک کنگو و ایالات متحده رخ داده است. در همین سال، در چین بر پایه آمارهای موجود، دست کم ۱۰۷۷ نفر اعدام شدند؛ در ایران ۱۶۵ و در جمهوری دموکراتیک کنگو هم نزدیک به ۱۰۰ حکم اعدام اجرا شده است. افزون بر اینها، اجرای صدها حکم اعدام در عراق گزارش شده است که برآورد شمار دقیقی آن ممکن نیست.^۱

الف) وضعیت اعدام در کشورهای اسلامی

کیفر مرگ همواره یکی از مجازاتهای اصلی در قوانین کشورهای اسلامی بوده است. این کشورها با بهره‌گیری پیوسته از این کیفر، حتی به اجرای علنی آن می‌پردازند. بر پایه آمارها، در سال ۱۹۹۹ دست کم ۱۰۳ حکم اعدام در عربستان سعودی برای جرم‌هایی چون قتل عمد، تجاوز جنسی و قاچاق مواد مخدر اجرا شد. از میان اعدام شدگان، ۶۴ نفر شهروند بیگانه بوده‌اند. تنها، در جرم قاچاق مواد مخدر، سه زن اعدام شده‌اند. یکی از معروفترین نمونه‌ها در این آمار به اعدام حسن بن آواد الزبیر - شهروند سودانی - مربوط

1. Amnesty International USA, Annual Report 2000: *The Death Penalty: An Affront to Our Humanity* (Washington D.C, Amnesty International, 2000).

می‌شود. وی که مدعی بود از قدرت جادویی خاصی برای بهبود بخشیدن بیماران و جدا کردن زن و شوهر (برهم زدن رابطه‌ای میان آنها) بهره می‌برد، به جرم «افسونگری» گردن زده شد^۱.

ب) رویکرد ایران به کیفر مرگ

در ایران، تا پیش از استقرار حکومت اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، کیفر مرگ یکی از نمونه‌های مجازاتهای اصلی در قانون مجازات عمومی به شمار می‌رفت. این قانون، نخست در متن مصوب ۲۳ دی ۱۳۰۴ جرایم را بر پایه شدت و خفت به چهار دسته (جنایت، جنحه مهم، جنحه کوچک و خلاف) و سپس در متن اصلاح شده ۷ خرداد ۱۳۶۲ به سه دسته (جنایت، جنحه و خلاف) تقسیم می‌کرد. سرآمد مجازاتهای جنایت، «اعدام» بود که برای جرمهایی چون: قتل عمد (ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی) پیش بینی شده بود.

با روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی، نظام جرایم و مجازاتها نیز دگرگون شد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که متن بازنگری شده نخستین قانون مدون پس از انقلاب (یعنی قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱) است، با مبنا قرار دادن شرع اسلام مجازاتها را به پنج گروه: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده تقسیم می‌کند (ماده ۱۲). جز درباره دیات، کیفر مرگ نمونه آشکار مجازاتهای چهارگانه دیگر ماده ۱۲ است:

نخست، در باب «حلوله»، جرم «زنا» در چهار حالت مستوجب قتل (اعدام) شناخته

شده است:

«الف - زنا با محارم نسبی. ب - زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است. ج - زنا غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است. د - زنا به عتف واکراه که موجب قتل زانی اکراه کننده است» (ماده ۸۲). کیفر جرم «لواط» نیز در صورت دخول قتل (اعدام)

۱. شاید تا پیش از آگاهی از این رویداد چنین به نظر می‌رسید که جرمی چون افسونگری در روزگار ما به پایگانی تاریخ سپرده شده است؛ تاریخی که از اعتبار این جرم در دوران پاستان حکایت می‌کند. بنابراین، در کنار سندهای تاریخی همچون «قانون حمودایی» - که سنگینترین کیفر را برای زن جادوگر در نظر می‌گرفت - امروز نیز می‌توان نمونه‌هایی را از اعتبار این جرم برخاسته از تاریخ حقوق کیفری پاستان یافت.

2. Reuters, "Saudi Beheadings over 100 for 1997", Boston Globe, 28 September 1997, P.A29.

پیش‌بینی شده «و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است»^۱. (ماده ۱۱۰) همچنین، کیفر «تفخیزد»، «مباحقه» و «شرب خمر» به ترتیب در بارهای چهارم و سوم، قتل (اعدام) است (مواد ۱۲۲، ۱۳۱ و ۱۷۹). کیفر مرگ یکی از گونه‌های چهارگانه «حد محاربه و افساد فی الارض» نیز به شمار می‌رود (ماده ۱۹۰). سرانجام، ارتکاب سرقت در بار چهارم، مستوجب اعدام شناخته شده است (بند د ماده ۲۰۱).

دوم، در باب «قصاص»، کیفر مرگ، تنها گونه مجازات قتل عمدی به شمار می‌رود.^۲ یکی از دشواریهایی که اجرای حکم قصاص ممکن است به دنبال داشته باشد، به محکومانی مربوط می‌شود که در انتظار اجرای اعدام سالها در زندان به سر می‌برند. این دشواری هنگامی پدید می‌آید که قتل عمدی با شرکت دو یا چند نفر به وقوع پیوسته باشد. از آنجا که در این صورت، صاحبان خون بر پایه ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی، تنها در صورتی می‌توانند قاتلان را قصاص کنند که سهم تعیین شده دیه آنها را بردارند، ناتوانی مصیبت‌دیدگان چاره‌ای جز روانه ساختن قاتلان به زندان در پی ندارد. همچنین، در صورتی که صاحبان خون صغیر می‌بودند، رویه قضایی - تا همین سالها - با عمل به فتوای معتبر تعیین تکلیف درباره قصاص را به رسیدن آنان به بزرگسالی موکول می‌ساخت. این وضعیت، سرانجام، دستگاه قضایی را به چاره‌اندیشی واداشت؛ تا اینکه رئیس قوه قضاییه به ترتیب در بخشنامه‌های شماره ۱/۷۸/۷۱۶۸ به تاریخ ۱۳۷۸/۷/۲۵، ۱/۷۸/۱۰۷۷۷ به تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۵ و ۱/۷۹/۳۶۶۲۷ به تاریخ ۱۳۷۹/۷/۳۰، خطاب به دادگاهها، درصدد رفع این دشواری برآمد.^۳ حیرت‌انگیز است که در متن یکی از این بخشنامه‌ها موردی (یا نشانه تعجب) به چشم می‌خورد که محکومان قصاص به دلیل درخواست نشدن اجرای حکم از سوی صاحبان خون در زندان به سر می‌برند (بنگرید به پیوست).

۱. بر پایه نظر مشهور فقهای امامیه، چگونگی اعدام مرتکب نواط به یکی از گونه‌های زیر است: ۱- قتل با شمشیر؛ ۲- سوزاندن با آتش؛ ۳- سنگسار؛ ۴- خراب کردن دیوار بر مرتکب؛ ۵- پرتاب از بلندی (بنگرید به: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، المباحث الفقہ فی شرح الروضه البهیة، کتاب الحدود، جلد ۲۷، (تهران: انتشارات وجدانی، ۱۳۶۷، ص ۲۳۴). به نظر می‌رسد رویه قضایی بیشتر به گزینش پنجمین گونه گرایش دارد.
۲. البته با رضایت صاحبان خون و قاتل می‌توان قصاص را به دیه تبدیل کرد (ماده ۲۵۷).
۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: بخشنامه‌های ریاست محترم قوه قضاییه... ۷۸/۷/۱۹ تا ۷۹/۷/۱۹. معاونت اجتماعی و اطلاع‌رسانی قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات، جلد اول، زمستان ۱۳۷۹.

سوم، در باب «تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده» هم، کیفر مرگ برای جرمهای گوناگونی پیش‌بینی شده است. کیفر مرگ در این موارد ممکن است در چارچوب جرم «محاربه» مورد حکم قرار گیرد که تأمل برانگیز به نظر می‌رسد، زیرا قانونگذار حکم یکی از حدود الهی (یعنی محاربه و افساد فی الارض) را به جرمهای تعزیری گسترش داده است. برای نمونه، در پاره‌ای از «جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور» (موضوع فصل نخست از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)، با توجه به شرایط جرم، کیفر محاربه در کنار حبس تعزیری پیش‌بینی شده است (بنگرید به مواد ۴۹۸، ۵۰۴ و ۵۰۸). همچنین، بر پایه ماده ۵۱۳ امانت به مقدسات مذهبی، «اگر مشمول حکم ساب النبی باشد، مستوجب اعدام است».

گذشته از اینها، در پاره‌ای موارد، قانونگذار، خود ابتکار به کیفر رساندن قانون‌شکنان را به شهروندان واگذار کرده است و بدین‌سان به گونه‌ای از عدالت خصوصی دامن زده است. برای نمونه، به موجب تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، اگر شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا مهدورالدم بودن بکشد و این موضوع در دادگاه ثابت شود، چنانچه بتواند ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند، قصاص و دیه از او ساقط است. همچنین، در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ به شوهری که همسر خود را در حال زنا با مرد بیگانه ببیند، اجازه داده شده است تا هر دو را به قتل برساند. به نظر ما، واگذاری چنین اختیاری به شهروندان زمینه را برای برهم خوردن نظم اجتماعی و رواج هرج و مرج در جامعه فراهم می‌سازد، دستاویزی برای سوء استفاده فرصت‌طلبان ایجاد می‌کند و سرانجام امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد. باری، در اینجا قوانین کیفری به جای جامه عمل پوشاندن به یکی از نقش‌های اساسی خود که همان پیشگیری از وقوع جرایم است، رسالتی معکوس ایفا می‌کنند و به قوانینی «جرم‌زا» تبدیل می‌شوند.

کیفر مرگ در قوانین پراکنده دیگری برای جرایمی چون قاچاق مواد مخدر و جرمهای اقتصادی نیز به چشم می‌خورد. برای نمونه، در «قانون مجازات الاحلالگران در نظام اقتصادی کشور» (مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ - مجلس شورای اسلامی) برای رفتارهایی مانند اختلال در نظام پولی یا ارزی کشور یا اختلال در نظام تولیدی کشور، چنانچه به قصد مقابله

با نظام و با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام باشد، کیفر مرگ پیش‌بینی شده است (ماده ۲). همچنین، «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن» (مصوب ۱۳۷۷/۱۷ - مجمع تشخیص مصلحت نظام) نزدیک به ده بار به اعدام اشاره می‌کند. در این قانون، در کنار جرم اقدام مسلحانه قاچاق مواد مخدر (ماده ۱۱)، جرمهایی چون: تولید، کشت، توزیع، صادر کردن، وارد کردن و فروختن مواد مخدر با شرایطی مستوجب اعدام شناخته شده‌اند (مواد ۲، ۴، ۵، ۶، ۸ و ۹). در چند سال گذشته، بحث درباره کارایی کیفر مرگ در قلمرو مواد مخدر همواره یکی از کانونهای توجه حقوقدانان بوده است؛ به گونه‌ای که در نخستین همایش بین‌المللی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر (اردیبهشت ۱۳۷۹ - تهران) شرکت‌کنندگان به این توافق دست یافتند که کیفر مرگ در جرایم مواد مخدر از نوع تعزیر است و بنابراین، می‌توان به بازنگری در آن پرداخت.^۱ در نخستین کارگاه آموزشی فضات دادگاههای انقلاب در زمینه احکام مواد مخدر (زمستان ۱۳۷۹ - تهران) نیز بحث درباره این بازنگری با جدیت بیشتری دنبال شد؛ به گونه‌ای که بازتاب این تلاشها امروز در سطح سیاست جنایی قضایی آشکار است.

بدین ترتیب می‌توان گفت کیفر مرگ یکی از متداولترین مجازاتها در حقوق کیفری کنونی ایران به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که بر پایه آمارهای جهانی، ایران همواره جزو کشورهایی بوده که بالاترین رقم اعدام را در فهرست اجرا کنندگان این کیفر به خود اختصاص داده است. نکته مهمی که یادآوری آن درباره اجرای کیفر مرگ در ایران ضروری به نظر می‌رسد، به شیوه‌های اجرای آن بازمی‌گردد. اگرچه در بیشتر موارد، «به دار آویختن» محکوم متداولترین شیوه اجرای کیفر مرگ به شمار می‌رود، ولی در پاره‌ای موارد روشهایی به چشم می‌خورد که می‌توان آنها را با کیفرهای متداول در دوران باستان (مانند سوزاندن در آتش یا خراب کردن آوار بر مرتکب: برای نمونه در قانون حمورابی) مشابه

۱. برای آگاهی بیشتر بگردید به: حسین اکبری، «مطالعه نظری - عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی- کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، (جلد اول، ناشر: روزنامه رسمی، ۱۳۷۹)، ص ۲۴۷ و بعد.

دانست. به نظر ما چنین شیوه‌هایی نه تنها با هدف بازدارندگی کیفرها سازگار نیست - یا دست کم تفاوتی از نظر بازدارندگی بیشتر ایجاد نمی‌کند - بلکه اعتبار جهانی ایران را نیز خدشه‌دار می‌سازد.^۱

پ) وضعیت اعدام در کشورهای غیراسلامی

با وجود افزایش موج مخالفت با اعدام در جهان، مردم برخی نقاط - مانند کاراییب^۲ - همچنان بکارگیری گسترده کیفر مرگ را خواستارند، به گونه‌ای که تا سال ۲۰۰۰، بیش از ۲۵۰ زندانی در کاراییب انگلیسی زبان در انتظار مرگ بوده‌اند. دولتهای جامائیکا و گویان-هم^۳، بر اجرای فرایند کیفر اعدام پافشاری می‌کنند؛ تا آنجا که در جامائیکا یک جوان ۲۹ ساله که با متوقف کردن یک خودروی اداری، به «اتوموباری»^۴ پرداخته بود، به اعدام محکوم شد. فدراسیون جزیره‌های دو قلو^۵ نیز در جولای ۱۹۹۸، نخستین زندانی خود را پس از استقلال^۶، اعدام کرد.^۷

در اروپای شرقی به نام‌هایی چون روسیه، اکراین و بلغارستان بر می‌خوریم که کیفر مرگ را معتبر می‌شمارند. در روسیه به موجب قانون اساسی ۱۹۹۳ محکومیت به کیفر مرگ تنها در جرم‌های خشونت‌بار امکان‌پذیر است. بر پایه تازه‌ترین آمارها سالانه نزدیک به ۶۰ حکم اعدام در این کشور اجرا می‌شود. در اکراین نیز کیفر مرگ نسبت به برخی

۱. به نازکی بحثهایی درباره شیوه‌های نوین کیفر مرگ در میان فقیهان مطرح شده است. محور استفا از این فقیهان، جانشینی روش دریافت با بخشش عضوهای بدن به جای شیوه‌های متداول اعدام است که تحلیل آن مجال دیگری می‌طلبد (برای

آگاهی بیشتر بنگرید به: فتاوهای تازه فقها درباره اعدام، روزنامه شرق، یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۸۲، صفحه نخست).

۲. شاعهای از اقیانوس اطلس که در باختر آمریکای مرکزی واقع شده است و جزایر آن سکونت پذیرند. بنگرید به:

The Cambridge Encyclopedia, Edited by: David Crystal, Cambridge University Press, fourth Edition, 2000, P.212.

۳. کشوری در شمال آمریکای جنوبی بر ساحل اقیانوس اطلس که پایتخت آن، جرج تاون است. بنگرید به: Ibid, P.493.

۴. Hitch-hike: اتو استاپ سواری یا ماشین سواری مفتی که در برخی کشورها جرم است.

۵. Twin - Island Federation: کشوری در شمال جزیره‌های لی‌وارد در دریای کاراییب شرقی.

بنگرید به: <http://www.caribbean.burclays.co.uk/stkitts.html>

۶. این کشور در سال ۱۹۸۲ استقلال یافت.

7. Amnesty International, "Facts and figures on the Death Penalty", April 2000, Larry: Rother (Larry), "In Carribean, Support Growing for death penalty", New York Times, 4 October 1998, P.A1.

جرمهای خشونت‌بار، خیانت به کشور، جاسوسی و بعضی جرمهای نظامی اعمال‌پذیر است. در بلغارستان هم، کیفر مرگ در برخی جرمها اعمال می‌شود.^۱

در میان کشورهای غیر اسلامی که در فهرست اجرا کنندگان کیفر مرگ قرار دارند، به نامهای ژاپن و سنگاپور نیز برمی‌خوریم. ژاپن که همواره به میزان پایین جرایم خود و بکارگیری تدابیر غیرتنبیهی در برابر بزهکاران افتخار می‌کند، در طول سال ۱۹۹۹، پنج نفر را اعدام کرد. آمارها نشان می‌دهد در پایان همان سال، ۹۹ زندانی در انتظار اجرای اعدام به سر می‌برده‌اند که از میان آنها، حکم ۴۵ نفر توسط دیوان عالی ژاپن ابرام شد. در این کشور، زندانیانی که در انتظار اعدام به سر می‌برند، تنها می‌توانند یکی از اعضای خانواده خود را دیدار کنند و این درحالی است که حبس آنها در زندانهای انفرادی تا سالها به درازا می‌کشد.^۲

سرانجام، در سنگاپور کیفر مرگ یکی از مجازاتهای اصلی برای جرمهایی چون قتل عمد، قاچاق مواد مخدر، خیانت به کشور و برخی جرمهای مسلحانه به شمار می‌رود. بر پایه گزارشهای روزنامه‌های محلی، تنها میان ماههای ژانویه تا مارس ۱۹۹۹، یازده مورد اعدام با چوبه دار در این کشور اجرا شده است. اجرای ۱۹۰ حکم اعدام از سال ۱۹۹۴، نشان می‌دهد که سنگاپور هم یکی از کشورهای است که بالاترین رقم اعدام را در جهان به نسبت جمعیت خود دارد.^۳

گفتار دوم: الغای کیفر مرگ

با پیدایش آموزه‌های نو در تاریخ اندیشه‌های کیفری - بویژه، مخالفت اصولی جنبش دفاع اجتماعی با کیفر مرگ - شماری از کشورها قوانین داخلی خود را در جهت لغو اعدام بازنگری کردند. در این میان، کشورهای اروپایی پرچمدان لغو کیفر مرگ نام گرفتند. تناقض بنیادی برخاسته از اهداف کیفرها در فضایی که بیش از هر چیز اندیشه درمان و بازپروری بزهکاران را حکمفرما کرده بود، و همچنین ناکارآمدی اعدام در پیشگیری از

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: محمدرضا گودرزی بروجردی - توجیه و تحقیق، نظام کیفری در اروپای شرقی (نظام حقوقی،

پلیس، دادگستری، زندان و...) انتشارات دانشور، ۱۳۸۳، ص ۲۳-۴۴ و ۶۵

2. Senna (Joseph J.), Siegel (Larry J.), *Introduction to criminal Justice*, Wadsworth Pub. Ninth Edition, 2002, P.424.

3. Ibid

بزهکاری، عمده‌ترین دلایل جنبش لغای کیفر مرگ انگاشته می‌شوند. امروز، تأثیر این جنبش به اندازه‌ای است که بیش از نیمی از کشورهای جهان در قانون یا در عمل، کیفر مرگ را از زرادخانه کیفری خود زدوده‌اند.

الف) لغای تقنینی کیفر مرگ

تا آغاز هزاره سوم، ۷۳ کشور اعدام را به طور کامل (یعنی در برابر همه جرمها) لغو کرده‌اند. برای نمونه، فرانسه به موجب قانون ۹ اکتبر ۱۹۸۱ کیفر مرگ را از حقوق کیفری خود حذف کرد.

بر پایه آمارهای موجود، ۱۳ کشور نیز کیفر مرگ را در برابر جرمهای متداول^۱ مانند قتل عمد از اعتبار انداخته‌اند، ولی آن را برای مواردی چون جرمهای سیاسی، نظامی یا جرمهای ارتكابی در شرایط خاص (استثنایی)^۲ همچنان حفظ کرده‌اند. در این میان، پادشاهی متحده انگلستان از سال ۱۹۶۹، کیفر مرگ را از جرم قتل عمد حذف کرد، در حالی که در جرمهایی چون خیانت به کشور و دزدی دریایی اعدام همچنان اعتبار دارد. همچنین، درباره بازگرداندن کیفر مرگ برای قتل عمد بحثهایی در مجلس مطرح است.^۳ در اروپای شرقی کشورهایی چون اسلونی، و جمهوری اسلوواکی به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۹، و ۱۹۹۲ کیفر مرگ را لغو کرده‌اند.^۴

یکی از حساس‌ترین بحثها در زمینه لغو کیفر مرگ درباره ترکیه مطرح بوده است. از آنجا که اتحادیه اروپا پیوستن ترکیه به این اتحادیه را به لغو کیفر مرگ منوط ساخته و مهلت کوتاهی را برای آن تعیین کرده بود، دولت ترکیه در بازنگری قانون اساسی خود (آگوست ۲۰۰۲)، این کیفر را از رفتارهای مجرمانه، جز در زمان جنگ و نیز برای جرمهای تروریستی، حذف کرد. بر پایه گزارشهای رونامه‌های محلی، تا سوم سپتامبر ۲۰۰۲، پرونده ۸۷ محکوم به مرگ برای بازنگری قضایی، از مجلس ترکیه به وزارت دادگستری

1. Ordinary or conventional crimes.

2. Crimes committed in exceptional circumstances: مانند دزدی دریایی

3. The Cambridge Encyclopedia, Op.cit, P.212

4. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: محمد رضا گودرزی بروجردی - ترجمه و تحقیق - صص ۸۳ و ۱۰۴ و ۱۱۹.

بازگردانده شده بود.^۱ دولت ترکیه به تازگی با امضای پروتکل الحاقی به کنوانسیون اروپایی درباره لغو کامل اعدام، این کیفر را در زمان جنگ نیز لغو کرده است.^۲

ب) لغای عملی کیفر مرگ

در کنار کشورهایی که بر پایه قانون، کیفر مرگ را حذف کرده‌اند، ۲۲ کشور دیگر نیز وجود دارند که در عمل به لغو کیفر مرگ پرداخته‌اند؛ به گونه‌ای که در ۱۰ سال گذشته هیچ کسی در این کشورها اعدام نشده است که این از وجود نوعی سیاست در بکار نبردن اعدام حکایت می‌کند. بر پایه آمارهای به دست آمده، از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۰، کشورهای زیر به فهرست این سیاستگذاران افزوده شده‌اند:^۳

در آسیا: جمهوری آذربایجان، گرجستان، ترکمنستان، تیمور شرقی و نپال.

در اروپا: بلژیک، بلغارستان، استونی، لیتوانی، موری فرس^۴، مجارستان، اسپانیا، اوکراین و پادشاهی متحده انگلستان.^۵

در آفریقا: جیبوتی، مولداوی و آفریقای جنوبی.

در آمریکای شمالی: کانادا

به دنبال تلاشهای پیروان جنبش لغو کیفر مرگ - با مرکزیت اروپا - بازتاب این جنبش در آستانه هزاره سوم جنبه جهانی نیز پیدا کرد؛ به گونه‌ای که سازمان ملل متحد در «دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برای لغای مجازات اعدام»

1. Turkey: Briefing on present state of human rights development during the pre- accession process/ in: <http://web.amnesty.org/library/Index/ENGMDDE230152001>.

۲. به نقل از: مای (نشریه داخلی قوه قضاییه)، چهارشنبه ۲۴ دی ۱۳۸۲، شماره ۲۶۷، ص ۶.

3. Amnesty International, "The Death Penalty", List of Abolitionist and retentionist countries", 1 January 2000.

۴. Mauritius: شاخه‌ای که در دریای شمال، در شمال اسکاتلند واقع شده است.

۵. بی‌گمان، کشورهای اروپایی را باید پرچمدان جنبش لغو کیفر مرگ دانست، همچنان که بستر پیدایش این جنبش را باید در اروپا جست و جو کرد. تلاشهای پیروان اروپایی لغای کیفر اعدام، سرانجام در پروتکل شماره ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (استرازبورگ - ۱۹۸۳) به ثمر نشست. در ماده یکم از این پروتکل - که برای دولتهای عضو شورای اروپا الزام‌آور است - چنین آمده است: «کیفر مرگ لغو خواهد شد. هیچ کس نباید به این مجازات محکوم شود یا چنین کیفری درباره اش اجرا شود، برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

Convention for The Protection of Human Rights And Fundamental Freedoms, Protocol No. 7, Human Rights Information Centre Design and Layout: Publishing and Documentation Service, Printed in France 1995, English.

(مصوب مجمع عمومی - ۱۹۸۹)، از دولت‌های عضو این پروتکل خواسته است که کیفر مرگ را به طور کلی از نظام حقوقی خود حذف کنند.^۱ هم‌چنین، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (کنفرانس رم - ۱۹۹۸) با رعایت احترام به قوانین داخلی کشورها، کیفر مرگ را از فهرست کیفرهای پذیرفته شده در ماده ۷۷ خارج کرده است. رئیس کنفرانس رم با اشاره به اینکه اجماع بین‌المللی درباره آوردن کیفر مرگ در اساسنامه وجود ندارد، این بیانیه را نشانه‌ای از وجود اصل تکمیلی بودن صلاحیتها برشمرد که بر پایه آن، محکومیت متهمان به جنایات پذیرفته شده در این اساسنامه به کیفر اعدام، از سوی دادگاههای داخلی امکان‌پذیر است، ولی دیوان نمی‌تواند چنین اشخاصی را به کیفر مرگ محکوم کند.^۲

ب) ممنوعیت ویژه اعدام کودکان و نوجوانان

با انهام از یافته‌های «بزه‌دیده‌شناسی»^۳ و بازتاب آن در سطح جهان - بویژه پس از جنگ جهانی دوم - بسیاری از عهدنامه‌های جهانی حقوق بشر، اعدام افراد زیر ۱۸ سال^۴ را ممنوع شمرده‌اند. برای نمونه، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (سازمان ملل متحد - ۱۹۶۶)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (پیمان سن خوزه - ۱۹۶۲) و کنوانسیون حقوق کودک (سازمان ملل متحد - ۱۹۸۹) مقرراتی در این زمینه پیش‌بینی کرده‌اند. ماده ۶ از بخش سوم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، پس از به رسمیت شناختن حق

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: اردشیر امیر ارجمند - زیر نظر - مجرعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول، قسمت اول، استاد جهانی، کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی بونسکو با همکاری سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱.

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ماموش ارستجانی، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم، در: دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران - ۱۳۷۸، ص ۳۱۶.

۳. **Victimology**: «بزه‌دیده‌شناسی» دانشی است که در رویکرد نخست به مطالعه نقش و سهم بزه‌دیده، در فرایند ارتکاب جرم و در رویکرد دوم به جنبه‌های گوناگون حمایت از بزه‌دیده می‌پردازد. مطالعه کودکان و نوجوانان بر پایه معیار آسیب‌شناسانه سن، یکی از موضوعهای مورد بحث در این دانش است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: مهرداد رایجیان اصلی، موقعیت اطفال بزه‌کار - بزه دیده در حقوق کیفری ایران، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، (قوه قضاییه، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۱) و نیز سه گفتار تطبیفی در بزه دیده‌شناسی [ترجمه]، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۳.

۴. منظور کسانی هستند که هنگام ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند.

زندگی انسان (بند ۱)، اجرای کیفر مرگ را در کشورهایی که هنوز آن را لغو نکرده‌اند، به مهمترین جرایم محدود می‌کند (بند ۲) و به هر محکوم به اعدام حق می‌دهد تا عفو یا تخفیف مجازات خود را درخواست کند (بند ۴) و سرانجام، کیفر مرگ را دوباره جرمهای ارتكایی افراد کمتر از ۱۸ سال اجراپذیر نمی‌داند (بند ۵).^۱

ماده ۴ از بخش دوم کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر هم با به رسمیت شناختن حق زندگی (بند ۱)، اجرای کیفر مرگ را به جرمهای بسیارشدید محدود می‌کند (بند ۲). همچنین، بکارگیری آن را در جرمهای سیاسی و جرمهای عمومی مرتبط با این جرمها ممنوع می‌شمارد (بند ۴) و بر ممنوعیت بکارگیری کیفر مرگ نسبت به افراد زیر ۱۸ سال تأکید می‌کند (بند ۵).^۲

سرانجام، بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، دولتهای عضو را از بکارگیری کیفر مرگ نسبت به کودکان باز می‌دارد.^۳

این تلاشها بازتاب گسترده‌ای در سطح حقوق داخلی داشته است؛ به گونه‌ای که امروز در قوانین بیش از ۱۰۰ کشور بکارگیری کیفر مرگ برای بزهکاران نوجوان ممنوع شده است. با وجود این، شمار اندکی از کشورها به اجرای اعدام نسبت به بزهکاران نوجوان ادامه می‌دهند. بر پایه آمارهای گروه پاسدار عفو بین‌الملل، در طول دهه ۹۰، شش کشور زندانیان زیر ۱۸ سال خود را اعدام کرده‌اند. این کشورها عبارتند از: ایران، پاکستان، عربستان سعودی و یمن (در آسیا)، نیجریه (در آفریقا) و ایالات متحده (در آمریکا). در این میان، ایالات متحده بیشترین شمار اعدامها را داشته است؛ به گونه‌ای که از سال ۱۹۹۰ سیزده بزهکار نوجوان در این کشور اعدام شده‌اند. با وجود این، جنبش لغو کیفر مرگ در ایالات متحده با توجه به این واقعیت که بسیاری از کشورها از اجرای اعدام دست کشیده‌اند، تقویت شده است، تا آنجا که این پرسش را در ذهن حقوقدانان آمریکایی مطرح

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: اردشیر امیراجمند - زیر نظر: مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، صص ۹۳-۱۱۹.

2. American convention on Human rights, in: www1.umn.edu/humanrts/oasinstr/zaos3con.htm.

۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، صص ۱۹۷-۲۱۹.

ساخته که آیا با توجه به رویه دیگر کشورها باید در نظام عدالت کیفری خود بازنگری کرد یا اینکه مسئله جرم در آمریکا آن چنان نامعمول و غیرعادی است که بهره‌گیری از کیفر مرگ را همچنان ایجاب می‌کند؟^۱

سرانجام، درباره ایران باید گفت که با وجود پیوستن دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک^۲، دادگاههای داخلی نوجوانان زیر ۱۸ ساله‌ای را که مرتکب جرمهای مستوجب اعدام می‌شوند، به مرگ محکوم می‌کنند.^۳ این دشواری از تعارض قوانین داخلی ایران (ناظر به تعیین سن بلوغ) با مفاد کنوانسیون^۴ سرچشمه می‌گیرد، زیرا قانون مجازات اسلامی برای احراز مسئولیت کیفری، سن بلوغ را معتبر شناخته است (تبصره ۱ ماده ۴۹) و بر پایه تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی: «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است». باری، اگر چه کنوانسیون به دولتهای عضو اجازه می‌دهد تا بر پایه قوانین داخلی سنی پایین‌تر از هجده سال را برای بازشناختن کودکان از بزرگسالان در نظر گیرند، ولی نباید فراموش کرد که این سن نباید آن چنان پایین باشد که واقعتهای بلوغ و رشد عاطفی، روانی و عقلی کودک را نادیده بگیرد (ماده ۱-۴ مقررات پکن). خوشبختانه در سائهای اخیر، تلاشهایی در سطح تقنینی و قضایی با الهام از الگوی یک «سیاست جنایی افتراقی در قبال کودکان و نوجوانان» انجام شده است. برای نمونه «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان» (مصوب ۲۵ آذر ۱۳۸۱)^۵ در جرم کودک‌آزاری همه کودکان آزار دیده پایین‌تر از هجده سال تمام خورشیدی را از حمایتهای قانونی یاد شده بهره‌مند ساخته است (ماده ۱) که به نظر ما گام مثبتی در جهت پایبندی هر چه بیشتر ایران به تعهدهای بین‌المللی خویش است.

1. Senna (Joseph.J), Siegel (Larry.J), Op.cit, P.425.

۲. ایران به موجب «قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک» (مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی) به این کنوانسیون پیوسته است.

۳. در زمان نگارش این مقاله حکم اعدام برای سه پسر که در زمان ارتکاب جرم کم‌تر از هجده سال داشته‌اند و هم اکنون در قانون اصلاح و تربیت به سر می‌برند، صادر شده است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: نگاه سپاه و سفید به قانونگذاری، روزنامه شرق، شماره ۲۸۴، سه شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۸۳، ستون نگاه حقوقی، ص ۲۷.

۴. بر پایه این کنوانسیون، منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا درباره کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

۵. روزنامه رسمی، شماره ۱۶۸۷۵، تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۹.

همچنین در صورت تصویب لایحه «قانون تشکیل دادگاههای اطفال و نوجوانان» - که از قوه قضاییه به مجلس تقدیم شده است - کیفر مرگ از جرمهای کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال حذف خواهد شد. در ماده ۳۱ از این لایحه، برای نوجوانانی که سن آنها ۱۵ تا ۱۸ سال تمام خورشیدی است و جرمهایی مرتکب شده‌اند که کیفر قانونی آن حبس ابد یا اعدام است، کیفر حبس ۲ تا ۸ سال در قانون اصلاح و تربیت پیش‌بینی شده است.^۱

نتیجه گیری

از آنچه در این مقاله گفته شد، چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد:

۱- آموزه‌های کیفری سده نوزدهم که به نظریه‌هایی انتجامید که جانشینی کیفرهای بازپرورمدار را به جای کیفرهای بدنی پسندیده می‌داند، «جنبش جهانی لغو کیفر مرگ» را یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای سده بیستم شناساند، به گونه‌ای که با گسترش چشمگیر این جنبش، روز به روز به شمار کشورهای که اعدام را از زردخانه‌ی کیفری خود می‌زدایند، افزوده می‌شود.

۲- در تقابل دو طرز تفکر - یکی پیرو لغای کیفر مرگ و دیگری عوارهان ابقای آن - آن دسته از کشورها که به رعایت سنتها و باورهای اعتقادی - فرهنگی خود پایبندند، در برابر موج فزاینده جنبش جهانی افاگرا مقاومت بیشتری نشان می‌دهند.

۳- در کنار کشورهای اسلامی - که بر پایه آموزه‌های اعتقادی - مذهبی، اجرای کیفر مرگ را روا می‌دانند - به نمونه‌هایی (مانند ایالات متحده آمریکا) می‌توان اشاره کرد که مصلحت‌های سیاسی - اجتماعی را در اجرای فزاینده این کیفر دخالت می‌دهند.

۴- ایران به عنوان یکی از کشورهای اسلامی، از قوانینی بهره می‌برد که به دلیل تأثیر مستقیم از آموزه‌های مذهبی، امکان اجرای کیفر مرگ را در سطح چشمگیری فراهم می‌سازد. این موضوع، ایران را به یکی از کانونهای توجه سازمانهای حقوق بشری تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که سیاست‌گذاران داخلی - بویژه در سالهای اخیر - با آگاهی از این واقعیت به دنبال راهکارهایی برای حل این دشواری یا کاهش آن بوده‌اند.

۱. به تازگی، مانچمن پزشکی در پادشاهی بریتانیا با فرستادن نامه‌ای به دولت‌های هشت کشور چین، ایران، پاکستان، کنگو، فیلیپین، سودان و آمریکا درباره وضعیت کیفر مرگ - بویژه برای نوجوانان زیر ۱۸ سال - هشدار داده است. بنگرید به: اعدام کودکان را ممنوع کنید، روزنامه شرق، شماره ۲۸۶، پنجشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۸۳، ستون نگاه حقوقی، ص ۱۳. همچنین بنگرید به پایگاه اینترنتی این انجمن در: www.mps.org.uk

۵- اگر چه بر پایه الگوی سیاست جنایی کنونی ایران، اعتبار کیفر مرگ در سطح سیاست جنایی تقنینی گریز ناپذیر و مسلم به نظر می رسد، ولی در سیاست قضایی تلاشهایی برای کاهش و محدود ساختن اجرای اعدام به چشم می خورد که بویژه در قلمرو سیاست جنایی افتراقی در قبال کودکان و نوجوانان و نیز جرایم مواد مخدر نمود بیشتری داشته است. در شکل گیری این رویه، نقش بخشنامه‌های رئیس قوه قضاییه را نمی‌توان نادیده انگاشت. پیامد این روند را در قلمرو نوجوانان در لایحه «قانون تشکیل دادگاههای اطفال و نوجوانان» می‌توان دید ولی در قلمرو مواد مخدر هنوز تحولی در سطح سیاست جنایی تقنینی به چشم نمی‌خورد.

۶- تازه ترین تحول در زمینه کیفر مرگ در ایران، به شیوه‌های اجرای آن باز می‌گردد که خاستگاه آن را باید در آموزه‌های فقهی نو دانست. بر این پایه، پاره‌ای از فقیهان معاصر، بکارگیری شیوه‌هایی چون دریافت یا بخشش عضوهای بدن را به جای روشهای متداول اعدام (مانند به دار آویختن) میسر شناخته‌اند.

«پیوست»

بخشنامه به واحدهای قضایی سراسر کشور و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

پیرو بخشنامه شماره ۱/۷۸/۱۰۷۷۷ مورخ ۷۸/۱۰/۲۵ بنابر اعلام هیأت ویژه بازرسی زندانها، در بازدید از پاره‌ای زندانها، مشاهده کرده‌اند برخی از محکومان سانه‌های پیش، که به شرح زیر محکوم به قصاص نفس شده‌اند، همچنان در زندان به سر می‌برند!

۱- مردانی که به جرم قتل زن، محکوم به قصاص گردیده‌اند لکن به جهت نپرداختن فاضل دیه از سوی اولیای دم مقتوله، در زندان مانده‌اند!

در حالی که محکومان مذکور، مشمول بند ۲ بخشنامه شماره ۱/۷۸/۱۰۷۷۷ مورخ ۷۸/۱۰/۲۵ می‌باشند و درباره آنان در همان بخشنامه، تعیین تکلیف گردیده است.

۲- مردان و زنانی که به اتهام قتل نفس محکوم به قصاص شده‌اند، ولی به لحاظ عدم درخواست اجرای حکم از سوی اولیای دم، در زندان به سر می‌برند!

در مورد محکومان مزبور هم، اجرای احکام می‌تواند با اختطاریه لازم به اولیای دم، چنانچه در مدت تعیین شده، به مقاد اختطاریه اجرا ترتیب اثر ندهند، به نحو مقرر در بخشنامه شماره ۱/۷۸/۱۰۷۷۷ مورخ ۷۸/۱۰/۲۵ اقدامهای لازم به عمل آورند.

۳- در مورد اولیای دم صغیر، در صورتی که با کبیر، همراه باشند و کبار ورثه، خواستار قصاص قاتل باشند، مطابق مدلول رأی شماره ۳۱ مورخ ۱۳۶۵/۸/۲۱ ردیف ۸/۶۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و لحاظ قسمت اخیر ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ از نظر پرداخت سهم دیه صغار (و نه اکتفا به تأمین آن) اقدام شود.

چنانچه اولیای دم، همگی صغیراند، با توجه به اختلاف رأی فقها و سکوت قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در خصوص موضوع، به دستور اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، دادگاهها براساس منابع یا فتاوی معتبر، اقدام خواهند کرد.

فهرست منابع

- فارسی

- آنسل، مارک، مجازات اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، (تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۶)
- ارستجانی، ماه‌نوش، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم، در: دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران - ۱۳۷۸.
- اعدام کودکان را ممنوع کنید، روزنامه شرق، شماره ۲۸۶، پنجشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۸۳، ستون نگاه حقوقی.
- اکبری، حسین، «مطالعه نظری - عملی کیفر مرگ در حقوق مواد مخدر ایران»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، (جلد اول، ناشر: روزنامه رسمی، ۱۳۷۹).
- امیر ارجمند، اردشیر، زیر نظر - مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول، قسمت اول، اسناد جهانی، کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو با همکاری سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

- امیر علایی، شمس‌الدین، مجازات اعدام، (تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۵۷)
- بخشنامه‌های ریاست محترم قوه قضائیه... ۷۸/۷/۱۹ تا ۷۹/۷/۱۹، معاونت اجتماعی و اطلاع‌رسانی قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات، جلد اول، زمستان ۱۳۷۹.
- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، (تهران: نشر میزان، چاپ سوم، بهار ۱۳۷۷).
- برادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱).
- ذهنتی تهرانی، سید محمدجواد، المباحث الفقہی فی شرح الروضه البهیة، کتاب الحدود، جلد ۲۷، (تهران: انتشارات وجدانی، ۱۳۶۷).
- رایجیان اصلی، مهرداد، سه گفتار تطبیقی در بزه دیده شناسی [ترجمه]، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۳.
- -----، موقعیت اطفال بزه‌کار- بزه دیده در حقوق کیفری ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، (قوه قضائیه، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۱)
- علی پاشا، صالح، سرگذشت قانون، مباحثی از تاریخ حقوق، (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸).
- کاخسار، ناصر، «حقوق جزای یهود»، مجله مهمانم قضایی، ش ۲۲، ۱۳۴۶
- گودرزی بروجردی، محمدرضا، ترجمه و تحقیق، نظام کیفری در اروپای شرقی (نظام حقوقی، پلیس، دادگستری، زندان و...) انتشارات دانشور، ۱۳۸۳.
- میک، توفیل، قانون ناصه حمورابی، ترجمه سازمان میراث فرهنگی کشور، (تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۳)
- نگاه سیاه و سفید به قانونگذاری، روزنامه شرق، شماره ۲۸۴، سه شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۸۳، ستون نگاه حقوقی.
- نویهار، رحیم، «مقروات کیفری، جرایم و مجازات‌ها در تورات»، مجله نامه مفید، (دانشگاه مفید قم، ش ۱۷، ۱۳۷۸).

- نوربها، ناصر، زمینه حقوق جزای عمومی، (تهران، نشر دادآفرین و کتابخانه گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۸۱).
- نورمان، مارسل، مجازات مرگ، ترجمه ابوالحسن سرو قد مقدم، (تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳).

- لاتین

- American convention on Human rights, in:
www1.umn.edu/humanrts/oasinst/zcas3con.htm.
- Amnesty International USA, Annual Report 2000: *The Death Penalty: An Affront to Our Humanity* (Washington D.C; Amnesty International, 2000).
- Amnesty International, "Facts and figures on the Death Penalty", April 2000. Larry, Rother (Larry), "In Caribbean, Support Growing for death penalty", New York Times, 4 October 1998.
- Amnesty International, "The Death Penalty", List of Abolitionist and retentionist countries", 1 January 2000.
- Reuters, "Saudi Beheadings over 100 for 1997", Boston Globe, 28 September 1997.
- Senna (Joseph.J), Siegel (Larry.J), Op.cit.
- Senna (Joseph.J), Siegel (Larry.J), *Introduction to criminal Justice*, Wadsworth Pub. Ninth Edition, 2002.
- *The Cambridge Encyclopedia*, Edited by: David Crystal, Cambridge University Press, fourth Edition, 2000.
- Turkey: Briefing on present state of human rights development during the pre- accession process/ in:
<http://web.amnesty.org/library/Index/ENGMDE230152001>.